

شیراز هند جونپور در عهد ابراهیم شاه شرقی

بر خاک جونپور گرای باد بگذری زین آب چشم و آتش دل تحفه‌ای بری
 بر فیض جونپور شد از آب رشک غرق یونان زمین که داد بر آفاق برتری^۱
 جونپور شهری کوچک در شرق دهلی است که از زمان سلاطین دهلی، بستر تحولات
 مهم تاریخی بوده است. تحولات سیاسی باعث رواج و رونق روندهای پرثمر اجتماعی
 و فرهنگی گردید. حمله تیمور به دهلی، وضع نابسامانی را به وجود آورد و عده کثیری
 از علما و فضلاء دهلی روانه جونپور شدند. سرپرستی و علم دوستی شاهان شرقی نیز
 هنرمندان، دانشوران و شعرا را به دربار ایشان کشید. در تاریخ آمده که چون ابراهیم شاه
 شرقی بر تخت شاهی متمکن گردید، شاعران قصیده‌ها سرودند. ضیاءالدین ابونصر
 فراهی یکی از ایشان بود. اکابرین و مشایخ به انعامات و خلعت سرفراز شدند و
 مدارس و خانقاه‌ها تحت حمایت قرار گرفتند و شهر جونپور «دارالسرور» گردید.
 منطقه‌ای که شهر جونپور در آن واقع است، قبل از حکومت سلاطین دهلی از
 اهمیت تاریخی برخوردار نبود. قبیله‌ای از خانواده رگه‌بَن‌نشی و قومی موسوم به بهر در
 آن جا زندگی می‌کردند.^۲

حکومت جونپور مقارن با سلطنت لودیان و اوایل حکومت بابرین بود. این منطقه در
 عهد فیروزشاه تغلق شکل تازه‌ای گرفت. وی در سال ۱۳۶۰ م. در آنجا شهری به نام عموی
 خود جوناشاه بنا کرد و آن را جوناپور نامید، که به مرور زمان به اسم جونپور شهرت یافت.
 در سال ۱۳۹۴ میلادی محمود تغلق به وزیر خود ملک سرور خواجه جهان، که در توسیع

۱. تاریخ سلاطین جونپور، ص ۷۴۲.

۲. اقبال احمد، تاریخ سلاطین شرقی اور صوفیای جونپور، ص ۵۹.

حکومت خدمات شایانی انجام داده بود، خطاب ملک‌الشرق عطا کرد^۱ و جونپور را دارالخلافه^۲ وی قرار داد. وی یک سال و چند ماه حکومت کرد. وی مردی با استعداد بود که از درجه شهنه ترقی کرده شاه شرق هند شد و اتابک اعظم لقب گرفت. وی علم دوست بود و در مدت کوتاهی عده کثیری از علما و فضلا را در آن شهر جمع کرد. زمانی بود که قنوج که شهریست قدیم، نیز مرکز عرفا و صوفیا بود. تازه واردان این شهر با ایشان ارتباط داشتند و یک فضای خاص بر مطلع جونپور نمودار گردید. سید جلال‌الدین بخاری، مخدوم سید جهانیان جهان گشت که در گسترش فرهنگ اسلامی کارهای نمایانی انجام داده است. وی در زمان ملک‌الشرق در جونپور تشریف داشت.

پسر خوانده ملک‌الشرق، سید مبارک شاه پسر سید رجب^۳ علی، پس از وفات وی بر تخت مشرق متمکن گردید. در ولدیت وی اختلاف است ولی نگارنده تاریخ جونپور با شواهد تاریخی به این نتیجه می‌رسد که آنها از سادات زیدی بودند و با ملک سرور از بخارا یا هویزاً^۴ (ایران) به هند آمدند و وارد دهلی شدند. مدت حکومتش دو سال بود. در سال ۸۰۳ هجری برادر کوچکش سید ابراهیم با اتفاق نظر وزرا زمام سلطنت را در دست گرفت. مراسم جشن تاج‌پوشی با تجلیل و شکوه برگزار شد. شاهان و راجگان هدایا و تحایف فرستادند. شهر چراغان شد. در مدرسه‌ها و خانقاه‌ها نظام لنگرخانه برگزار شد. بین فقرا و علما و شعرا خلعت و انعام تقسیم شد. فراهی شاعر درباری شرقی‌ها قصایدی گفت و برای قطعه زیر انعام کثیر گرفت:

زهی شاه بحر سخا عدل گستر به او تاج و تخت و نگین شد مسلم
 برون آر سال جلوس همایون ز «سلطان اهل صفا شاه عالم»^۵

۸۰۴ هجری

۱. تاریخ فرشته در سال ست و سبعین و سبعمائة یعنی ۷۷۶ هـ ق والی جونپور گردید ولی مطیع پادشاه دهلی بود و در سال‌های آخر زندگی، حکومت مستقل در دست گرفت، ص ۵۹۱.
۲. واقعات دارالحکومت دهلی، ص ۲۰۹.
۳. تاریخ فرشته: پسر ملک قرنفل، ص ۵۹۱.
۴. میر کاظم علی، احوال جونپور، نسخه خطی «اصلش از بلده هویزا ولایت ایران پدرش در هویزا حاکم بود» شیراز هند، ص ۸۵.
۵. تاریخ سلاطین جونپور، ص ۱۳۸.

ابراهیم شاه مردی با استعداد، با فهم و پرکار بود. وی پس از مراسم تاج‌پوشی به امور کشورداری توجّه کرد و در انتخاب امرا و وزرا با ذهانت تام عمل کرد. بعضی از افراد در مناصب قبلی خود در زمان فرمانروایان پیشین ابقا شدند و یا به مشاغل دیگر منصوب شدند، به طور مثال قاضی نصیرالدین گنبدی که قبلاً قاضی بود به عنوان مشیر^۱ دولت منصوب شد.

وی برادر خود سیّد مخلص را به عنوان وزیر برگزید، قاضی نظام‌الدین کیکلانی را قاضی و قاضی شهاب‌الدین دولت‌آبادی را قاضی‌القضات گردانید. ملک شجاع‌الملک، ملک میر ضیا، حضرت عثمان شیرازی، حضرت سیّد صدر جهان اجمل، سیّد فتح علی شاه و شاه فیروز از جمله عمایدین خاص بودند. نندلال بر بنای دیانت به عهده دیوانی متعین گردید.

شاهان شرقی از سال ۱۳۹۴ تا سال ۱۴۷۶ م. یعنی در حدود هشتاد و دو سال حکومت کردند. حسین شاه شرقی، آخرین تاجدار جونپور، را بهلول لودی شکست داد. وی در سال ۱۴۷۶ م. به بنگال رفت و در همانجا در سال ۱۴۹۹ م. فوت کرد.

در طول زمامداری شرقیان، جونپور نابسامانی‌های جنگ را دید^۲ ولی با وجود این همه نیرنگی‌های دوره‌های متعدّد شاهی، ابراهیم شاه که دوره حکومتش چهل سال و چند ماه بود، بسان ملک‌الشرق در آبادانی جونپور بسیار زحمت کشید گویی که جونپور دهلی ثانی^۳ بود. وی علما و مشایخ را دعوت می‌کرد و بسیاری از عرفا و شعرا و نویسندگان با شنیدن ذوق ادبی و سرپرستی صاحبان فضل به سوی جونپور با رضا و رغبت می‌رفتند و مردم به آن «شیراز هند» می‌گفتند^۴.

در تاریخ آمده که روز عید یا روز جمعه فقط پالکی‌های علما به نهصد و هشتاد و چهار عدد می‌رسید که برای نماز به طرف مسجد روان می‌شد. مجموع پالکی‌ها هزار و

۱. تاریخ سلاطین جونپور، ۱۴۰.

۲. واقعات دارالحکومت دهلی، حصه اول، بشیرالدین احمد، ص ۲۰۹.

۳. خلاصه‌التواریخ، سجان رای بهنداری، ص ۲۷۴.

4. Jan Rypka: Persian Literature in India Jan Marck, p. 720.

چهار صد عدد بود.^۱ پس باید حدس بزنیم که اژدحام مردم تا چه حدی بود. شرقی‌ها برای تربیت افراد نظامی خود، درس و تدریس را لازم دانستند و در این زمینه کارهای نمایانی انجام دادند.

ابراهیم شاه با وجود جلال شاهی، رقیق‌القلب و صاحب خلق و مروت بود و به مردم و رعیت محبت می‌کرد. وی به نظام جمهوری عقیده داشت و فرقی میان اقوام و پیروان مذاهب مختلف نمی‌گذاشت. در نتیجه در بین مردم محبوبیت داشت. دادخواهان بدون هیچ مانعی می‌توانستند مستقیماً به پادشاه برسند و حق خود را بگیرند. پاسبان‌ها موظف بودند که ایشان را از محضر پادشاه محروم نکنند. وی این قدر شکسته نفس بود که در جشن‌ها و عروسی‌های عامه مردم، بلا تفریق مذهب و ملت شرکت می‌کرد. وی شب‌ها با لباس مبدل، به کوچه و بازار می‌رفت و از احوال سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهر باخبر می‌شد. بعضی وقت‌ها نگاه دوررس وی چیزهایی را می‌دید و می‌فهمید که جاسوسان را به حیرت می‌انداخت. وی برای امور خیریه و امداد مساکین، مبلغی متعین کرده بود و به دانشجویان بورسیه می‌داد. مخارج مساجد و مدارس جداگانه بود. خانقاه‌ها و مهمانسراها همه مجهز بود. برای مهمان‌ها علاوه بر سکونت و طعام، وسیله حمل و نقل نیز مهیا بود. اگر راهواری مریض می‌شد، از طرف مهمان سرا اسب تازه نفس به او می‌دادند و برای معالجه اطباء هم بودند. ابراهیم شاه برای گسترش دین و فرهنگ، گروهی از علما و فضلا را به مناطق دوردست می‌فرستاد. بعضی از این افراد در همان محل تبلیغ و تدریس فوت می‌شدند ولی جسد خاکی‌شان در جونپور تدفین می‌شد و به پاس خدمات آنها، بر آرامگاه‌شان لوح مزار، قبه، ساختمان باره‌دري (دوازده در داشت) و غیره می‌ساختند.^۲

ابراهیم شاه، پادشاهی عادل بود. در تاریخ آمده که باری مرد هندویی پیش پادشاه فریاد کرد که مسلمانان آن قریه بر زمین وی مسجدی بنا می‌کنند، پادشاه، به قاضی آن منطقه دستور داد که بر عدل و انصاف عمل کند. قاضی نیز بی‌طرفانه عمل کرد و در

۱. سجان رای بهنداری، خلاصه‌التواریخ، ص ۲۷۴.

۲. تاریخ شیراز هند جونپور، ص ۱۱۸.

نتیجه کار بنای مسجد تعطیل گردید و دستور رسید که اول اجازه مالکیت زمین به نحو جایز بگیرند بعداً مسجد بنا شود.^۱

همین طور چند نفر هندو به او شکایت کردند که ملک اسلم، پدرشان حاکم ترهت را به قتل رسانیده بر آن منطقه حاکم شده است. ابراهیم شاه به نفس نفیس به آنجا رفته و بعد از بررسی، لشکری را به ایشان داد تا جاه و حشمت خویش را باز پس بگیرند.^۲

ابراهیم شاه از حسن رفتار و عدل خود جونپور را به جایی رسانید که امن و امنیت در دارالسلطنت حاکم شد و به همین خاطر مورخین این شهر را دارالسرور، شیراز هند، دارالامن و دارالعلم نوشته‌اند و چنان جاه و شکوه و فضایی داشت که مثل "درگاه سلاطین ایران رنگین گردید"^۳.

معماری

در دربار ابراهیم شاه ماهرین فن، دانشور، حکیم، شاعر، منجم، عالم، عارف و صوفی حاضر بودند. وی می‌خواست که شهر جونپور را امتیاز بخشد و در سراسر هند تنها مکان جنت نظیر باشد، در نتیجه شهر و خیابان و خانقاه، مهمانسرا، مسجد و مدرسه همه چیز با توجه خاص تأسیس می‌شد و به نحو عالی از طرف حکومت اداره می‌شد. وی تپه‌های خالی و ویران را آباد کرد. قصرهای خوب زیر نظارت محمد خان معمار بنا گردید. جنت محل یکی از آنها بود. قصرهای شرقی‌ها عموماً کنار حوض بود. بر در ورودی قصر جنت محل، چراغی بود که خود به خود روشن می‌شد و شعاع روشنائی تا دور چادر ظلمت را دریده تار تار می‌کرد.

بر حوض، محل استحمام (گهات) مردانه و زنانه جدا جدا بود. مورخین می‌نویسند که برای زنان اهتمام ویژه‌ای بود. زیر زمین تونل درست کرده بودند که شاه بانوان از آن

۱. تاریخ شیراز هند جونپور، ص ۱۱۴؛ سیرالمآخرین، نسخه خطی.

۲. تاریخ سلاطین جونپور، نسخه خطی، ص ۱۵.

۳. تاریخ فرشته، ج ۲، ص ۵۹۲.

۴. تاریخ سلاطین جونپور، ص ۵۱۸.

راه به حوض می‌رفتند.^۱ این نمونه‌ای از فرهنگ اسلامی است که آهسته آهسته در فرهنگ هند نفوذ کرد. قصر لعل دروازه نیز یکی از مهم‌ترین قصرها بود که با سنگ سرخ بیش قیمت مزین بود. بر محراب در ورودی آیات قرآنی کنده شده بود. درب این قصر بسیار سنگین بود که باز و بسته کردن آن برای یک نفر به تنهایی دشوار بود. سمت جنوب حوض خاص روشن محل بود. بر سر ورودی چراغی بود که از خود روشن می‌شد و تا دور محیط را نورانی می‌کرد. همین روشنایی وجه تسمیه این قصر گردید. علاوه بر این قصرها، ساختمان‌های دیگر مانند بدیع منزل، مدرسه نسوان باره‌دری و غیره بودند که نمونه‌های خوب معماری آن زمان به شمار می‌روند.

مساجد

هنر معماری جونپور در سراسر هند منفرد است. معماران مهم آن دوره اکرام الله شمس‌الدین، قاسم علی، واحد خان، چراغن، نبی بخش، پورن ماسی، رام‌گیر و بسنت بودند. معماری جونپور امتزاج هنر مصری^۲، هندی و اسلامی است.^۳

اتاله مسجد که بنایش را فیروز شاه تغلق آغاز کرده بود، در زمان ابراهیم شرقی به تکمیل رسید و می‌گویند که از لحاظ هنری در سراسر جهان مثل ندارد.

در عهد وی خانقاه‌ها، مدرسه‌ها و مسجدهای زیبایی بنا شد و از طرف پادشاه برای هزینه‌های اداری موقوفات شاهی بود و از خزانه شاهی کارمندان و مأمورین حقوق می‌گرفتند. ملک خالص یکی از خواص دربار ابراهیم شرقی بود. وی ناظم جونپور بود و برای آنهایی که عارف و عالم و صوفی بودند و به سوی جونپور عازم می‌شدند، مساجد و خانقاه‌های زیادی را بنا کرد.

در سال ۱۴۱۷ مسجدی بنا شد و خانقاهی نیز متصل مسجد برای شیخ عثمان شیرازی تأسیس شد که از لحاظ هنری تمام ویژگی‌های معماری شرقی را دارد ولی خالی از نقش و نگار است. البته از نظر استحکام عالی است. جهنجهری مسجد طرف

۱. تاریخ سلاطین جونپور، ص ۱۷۵.

۲. همان، ص ۴۸۴.

۳. همان، ص ۴۸۵.

شمال رود گومتی واقع است. مسجد جامع الشرق را نیز ابراهیم شاه بنیان گذاشته بود، ولی حسین شاه شرقی آن را به انجام رسانید. مسجدها با آیات قرآنی و حدیث کسا مزین بود که بهترین نمونه خطاطی به شمار می‌رفت. شبکه‌های مسجد نیز دیدنی بود. این گونه عمارت‌ها مرکز علم و فضل بودند چرا که علما و فضلا همین جا زندگی می‌کردند. شاهان شرق آرزو داشتند و سعی می‌کردند که جونپور مانند مراکز علمی ایران و بغداد و بخارا باشد. تعداد مدارس در این جا بیش از صد و پنجاه بود و دانشجویان عرب و ایران در آنها درس می‌خواندند. افسوس که هم اکنون همه این‌ها فقط زیب داستان است.

در این مقاله بعضی از شاعران و نویسندگان مورد بحث قرار داده شده‌اند که مناره بلند شهر ادبیات فارسی و فرهنگ اسلامی جونپور بودند.

سید علاءالدین لاجوردی

وی یکی از اندیشمندان و عارفان برجسته بود و در فن موسیقی^۱ مهارت داشت و چندین آلت موسیقی را ایجاد نمود. نقش خواجه گیسو دراز در تربیت سید لاجوردی انکارناپذیر است. وی در سال ۱۴۸۰ در عهد حسین شاه فوت شد و در محله گراکوت تکیه چاند مدفون است. در غبار خاطر به عنوان صوفی پاک دل و در اخبارالاخیر شاعر بزرگ معرفی شده است. در اواخر عهد ابراهیم شاه شرقی شعرش به اوج رسید.

نمونه شعر:

ندانم آن گل خندان چه رنگ و بو دارد	که مرغ هر چمن گفتگوی او دارد
به‌جهت جوی نه آید، مراد خویش نیافت	کسی مراد بیابد که جستجو دارد
حدیث عشق تو تنها نه من همی گویم	که هر که هست از این گونه گفتگو دارد
متاع دل به کف دلبری بده تو علا	که این متاع گرانمایه را نکو دارد ^۲

۱. تاریخ سلاطین جونپور، ص ۸۶۳ و ۸۳۲.

۲. همان، ص ۷۰۲.

شیخ فیروز جونپوری

در فن سپه‌گری و شاعری یگانه روزگار بود. مثنوی دارد که موضوعش جنگ حسین شاه و بهلول لودی است.

ایا قابض شهر دهلی شنو حیاتت چو خواهی از این جا برو
منم قابض ملک ما راست ملک خدا داد ما را خدا راست ملک^۱

حضرت فراهی جونپوری

اسم مبارکش ضیاءالدین ابونصر بود و تخلص فراهی داشت. ملک‌الشعرا بود. شاعر «بلندپایه شیرین مقال و گفتار و نازک خیال» بود.

اظهار درد بر دل دلدار چون کنم ترسم ز خوی نازکش اظهار چون کنم

*

نی ناله ماند در دل و نه آه در جگر لیکن مرا به خاطر یار آورنده کیست

*

منم در این چمن از بلبلان زار یکی ولی به زاری من نیست از هزار یکی^۲

نصاب صبیان کتابی منظوم یکی از آثار اوست.

شیخ محمد حسن جونپوری

متوفی ۹۴۴ هجری و پسر شیخ حسن بن طاهر جونپوری بود. مورخین می‌نویسند که مردی پاک نفس بود. چندین رساله و مکتوب از او یادگار است. سال‌ها در مدینه منوره در حرم رسول مجاورت کرد. در آگره نیز اقامت داشت مزارش در دهلی است.^۳

شیخ محمد عیسی جونپوری

فرزند شیخ احمد عیسی دهلوی بود. در زمان حمله امیر تیمور پدرش به جونپور رفت. شیخ محمد در صغر سنی مرید شیخ فتح الله اودهی شد. شیخ او را پیش قاضی

۱. تاریخ سلاطین جونپور، ص ۷۰۸.

۲. همان، ۷۲۹.

۳. تذکره علمای هند، ص ۱۸۵.

شهاب‌الدین دولت‌آبادی فرستاد. سپس در همان شهر زیر تربیت علما و عرفا یکی از مشایخ بزرگ شمرده شد. آرامگاهش در جونپور است.

حضرت مخدوم خواجه عیسی تاج

یکی از صوفیای بزرگ آن دوره بود. مزارش در محله ارزن است. بر زبان عربی و فارسی تسلط داشت و در هر دو زبان شعر می‌گفت. از تحایف و هدایای شاهی مستغنی بود. روزی ابراهیم شاه شرقی برای او هدیه فرستاد. مخدوم با قطعه زیر آن را پس داد:

من دلق خود به اطلس شاهان نمی‌دهم من فقر خود به ملک سلیمان نمی‌دهم
از رنج فقر در دل گنجی که یافتم این رنج را به راحت شاهان نمی‌دهم^۱

باسطی جونپوری

شاعر دربار ابراهیم شرقی بود. اسمش عبدالقادر قلندر و باسطی تخلص بود. قطعه تاریخ حضرت سید نجم‌الدین غوث الدهر قلندر نتیجه فکر وی است:

والنجم اذا هوا چو خواندم ز امام آغاز ندارد این کلام و انجام
از بهر امام دین غوث الدهر تاریخ وفات فهم کردند کرام^۲

اگر خلاصه شرح حال شخصیت‌های بارز آن دوره که به دربار ابراهیم شرقی وابسته بودند، نگاشته شود کتابی خواهد شد پس فقط اسامی شان ذکر می‌شود. حضرت مخدوم شیخ اخی جمشید یکی از صوفیای بزرگ آن دوره بود. یکی از ایشان سید کمال ترمذی در زمان غارتگری هلاکو از ترمذ به دهلی آمد. علاء‌الدین خلجی با احترام در قصبه کیتهل مسکن کرد. ملک‌الشرق به او عقیدت داشت.

حضرت مخدوم سید جهانگیر اشرف سمنانی

مردی درویش صفت و جهانگرد بود. صوفیان آن زمان به شهرهای مختلف می‌رفتند و در گسترش زبان و فرهنگ اسلامی و فارسی سهم بزرگی داشته‌اند. حضرت مخدوم در

۱. تاریخ سلاطین شرقی، ص ۶۹۸.

۲. همان، ص ۶۹۹.

عهد ابراهیم شرقی به جونپور آمد و در مسجد ابراهیم سکونت گرفت و برایش چله‌خانه درست کردند که حالا منهدم شده است. ابراهیم شاه می‌خواست که او همیشه در جونپور بماند، ولی او قبول نکرد. وی نمی‌خواست خواهش ابراهیم شاه را رد نماید لذا گفت من از قلمرو تو بیرون نمی‌روم و پس از آن به کهچوچه شریف رفت.

ملک‌العلماء قاضی شیخ عمر دولت‌آبادی

یکی از علمای برجسته و قاضی این دوره بود. وی مفسر قرآن و نویسنده آثار گرانقدری بود.

شیخ ابوالوفا خوارزمی، راج حامد شاه مانکپوری، شیخ احمد عبدالحق ردولوی، عبدالقدوس گنگوهی، شیخ عبدالصمد جونپوری، شیخ اعظم ثانی لکهنوی، شیخ سعد الله لکهنوی، شیخ فتح الله اودهی، حضرت شیخ سعدالله کیسه دراز، ملک شجاع‌الملک مهر ضیا، بدیع‌الدین شاه قطب‌المدار، ابوالفتح سونیرس، سید خالص، محمد عیسی تاج، شیخ عثمان صالح، قاضی نظام‌الدین کیکلانی، شیخ بختیار، شیخ وجیه‌الدین اشرف، شاه رکن‌الدین سهروردی، سید عثمان شیرازی، مخدوم شیخ محمد، نصیرالدین گنبدی و دیگران از جمله شخصیت‌هایی هستند که درباره آنها چیزی نوشتن، ناحق شناسی است ولی در این مقاله نمی‌توان در مورد همه آنها نوشت.

نتیجه‌گیری

در هند شهرهای بسیاری به وجود آمدند که مراکز معارف اسلامی و فرهنگ ایرانی بودند. جونپور یکی از آنها بود. پس از حمله تیمور به دهلی عدّه کثیری از علما و فضلا دهلی به سوی جونپور رخ کردند. پادشاهان می‌خواستند که جونپور هم طراز یونان و بخارا و بغداد باشد و در این زمینه فعال نیز بودند. این مقاله محدود به دوره ابراهیم شاه شرقی است و من سعی کردم که نمایه فرهنگ و ادب در یک چشم انداز ارائه داده شود تا وجه تسمیه و عظمت شهر شیراز هند آشکار گردد. در عهد شهنشاه

اکبر جونپور دوباره رونق باز رفته را دریافت^۱. میر محمد مراد لایق شاعر خوش بیان اصفهانی از اصفهان تا دهلی پیاده پا آمد و در جونپور سکونت گرفت^۲.

منابع

۱. ابوالقاسم فرشته، تاریخ فرشته، ج ۲، مطبع معموره بمبئی، ۱۸۳۲ میلادی.
۲. سید اقبال احمد، تاریخ شیراز هند جونپور، اداره شیراز هند پبلیشنگ هاوس، ۱۹۶۳ میلادی.
۳. سید اقبال احمد، تاریخ سلاطین شرقی اور صوفیای جونپور، اداره شیراز هند، پبلیشنگ هاوس، ۱۹۸۸ میلادی.
۴. عمادالحسن آزاد فاروقی، (مرتب) هندوستان مین اسلامی علوم و ادبیات، مکتبه جامعه دهلی لمیتید، ۱۹۸۶ میلادی.
۵. رحمان علی، تذکره علمای هند، مطبع نامی منشی نول کشور، لکهنو.
۶. بشیرالدین احمد، واقعات دارالحکومت دهلی، حصه اول، اردو آکادمی دهلی، ۱۹۹۰ میلادی.
۷. سجان رای بهنداری، خلاصه التواریخ، مطبع جی ایند سنز، دهلی، ۱۹۱۸ میلادی.
۸. عبدالحق محدث دهلوی، اخبارالاخیار.
۹. بشیرالدین احمد، واقعات دارالحکومت دهلی، اردو آکادمی دهلی، فروری، ۱۹۹۰ میلادی.
10. Journal Islamic Culture Vol 19.
11. Jan Rypka, History of Indian Literature, Edited by: karl Jhan, Published: D. Reidel Publishing Company 1968.

۱. تاریخ سلاطین جونپور، ص ۷۰۹.

۲. همان، ص ۷۲۱.